

نویسنده این مقاله دارای سوابق آموزشی و تجاری با ارزشی در زمینه های هنری است. از ایشان رساله پژوهشی جامعی در زمینه هنر و عاشورا به چاپ رسیده است.

عاشورا

الف) نگارگری

از نقاشی دوره اولیه اسلام اطلاع زیادی در دست نیست، به جز آثار معدودی که در سوریه و عراق و ایران کشف شده اند. ولی همین آثار کافی هستند که رونق و ارزش نقاشی و تزئینات بردیوار را در دوره بنی امیه و اوایل دوره عباسی آشکار سازند.

تا این اواخر، اثری از نقاشی اوایل دوره اسلامی در ایران در دست نبود. در سال های ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ و ۱۹۳۹ میلادی (۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ و ۱۳۵۸ ه.ق) هیأت اکتشافی موزه متروپولیتن، در نیشابور در مشرق ایران، نمونه هایی از نقاشی و تزئینات دیواری اوایل دوره عباسی را کشف کرد که فصل جدیدی در تاریخ صنایع اسلام گشود. این نقاشی ها از چند بنای متعدد پیدا شده اند و می توان آن ها را به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول نقاشی های یک رنگ و گروه دوم نقاشی هایی که دارای رنگ های متعدد هستند.

در موزه "متروپولیتن"، یک قطعه یا لوح وجود دارد که طرح جالب توجهی به رنگ های قرمز و سفید و آبی و سیاه بر آن کشیده شده است. این طرح شامل بندهایی است که در انتهای هر بند، شکل هایی مانند دست یا گل نیلوفر به چشم می خورد و با شکل ها و تعبیرات برگ نخل، انار و میوه کاج زینت یافته است.

هیچ یک از مینیاتورهای ایرانی روی کاغذ را که تا به حال باقی مانده اند، نمی توان محققاً به دوره قبل از مغول نسبت داد. با این حال، گوشه هایی به عمل آمده است که بعضی از مینیاتورهای ایرانی را به اواخر دوره سلجوقی نسبت دهند.

حملة مغول به ایران و عراق، با سقوط بغداد در سال ۱۲۵۸ میلادی با موفقیت انجام یافت. یکی از قدیمیترین کتاب های خطی مصور دوره مغول، نسخه معروف «منافع الحیوان» ابن سینا است.

است که در کتابخانه مورگان، در نیویورک نگهداری می شود. تیمور پس از تسخیر بغداد، عده زیادی از هنرمندان و صنعتگران آن شهر را به مقر حکومت خود در سمرقند روانه کرد. شاهرخ پسر و جانشین تیمور، هرات را مقر حکومت خود قرارداد و مکتب هرات کم کم پا گرفت. در این دوره، سعدی دواتر خود یعنی "بوستان" و "گلستان" را به تحریر درآورد. برای نقاشی این شعرها، مکتب هرات سبک جدیدی ابداع کرد که متناسب با معنی و مفهوم شعرهای غنایی و عاشقانه بود. معمولاً شکل انسان در این تصویرها ظریف و کوچک ترسیم شده، منظره آن کاملاً ایرانی و تزئینی و دارای افق بلند و جبال اسفنجی است. رنگ آمیزی این تصویرها، روشن و هماهنگ است و در مقایسه با نقاشی دوره اولیه مغول، رنگ های جدیدی به آن اضافه شده است. ایجاد سبک ملی ایرانی در نقاشی که به تدریج نفوذهای خارجی در آن مستهلک شدند، مرهون مکتب نقاشی هرات است. در اوایل قرن شانزدهم و دوره سلسله صفوی، مرکز نقاشی ایران از خراسان به تبریز انتقال یافت، در حالی که هرات تا مدتی بعد، مقام صنعتی و هنری خود را حفظ کرد.

تصویر اشخاص با عمامه و کلاه نوک دار از مشخصه های نقاشی دوره صفوی است. در نیمه دوم قرن شانزدهم، هنرمندان تبریز و شیراز و دیگر شهرهای باختری و جنوبی ایران به نقاشی سبک دربار شاه طهماسب ادامه دادند، ولی کار آن ها حاکی از انحطاط فنی و فقدان ابداع بود؛ چراکه نقاشی ها صورت زیادی داشتند و وقت لازم صرف نقاشی نمی شد. در اواخر قرن شانزدهم میلادی نیز در تهیه و تولید کتاب مطبوع، انحطاطی پدید آمد.

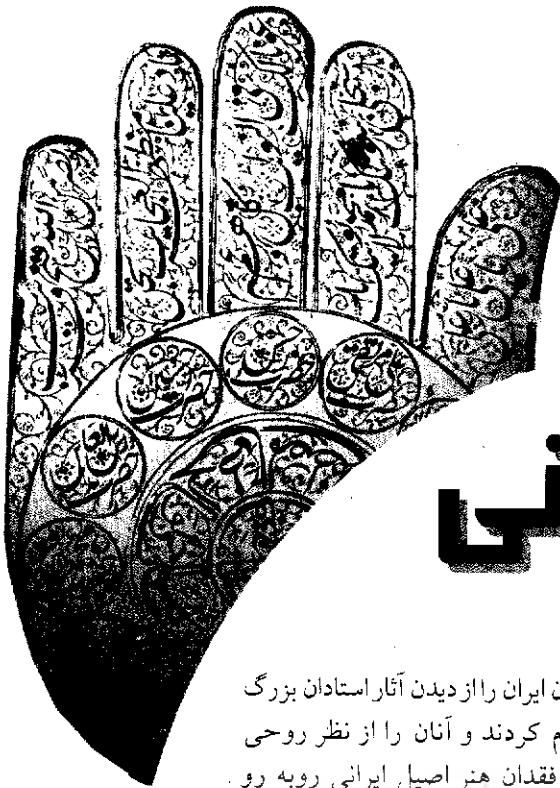


نقاشی ایرانی

محبوبه الهی

فوق لیسانس پژوهش هنر

مدرس آموزشکده دکتر شریعتی



و موضوع مورد توجه در شرق و غرب ایران، کشیدن تصویر اشراف با لباس های فاخر بود.

رضاعباسی تعداد قابل ملاحظه ای از نقاشی ها و ترسیمات خود را با امضای خودش باقی گذاشته که از خصوصیات نقاشی ها و تصویرهای وی، دقت و ملاحظه ای است که در همه شوون زندگی به عمل آورده است. شیوه نقاشی و ترسیم او تحت تأثیر خط و کتابت بود؛ بدین معنی که نقاشی او متشکل از خطوط منحنی و صاف و خطوط کوتاه است. می توان گفت که نقاشی ایران در نیمه دوم قرن هفدهم و در تمام قرن هیجدهم، تحت تأثیر سبک رضاعباسی باقی ماند. در قرن هجدهم، نقاشی در ایران روبه انحطاط رفت و نقاشی بر دیوار و نیز مینیاتور سازی به پست ترین درجه، تنزل کرد. علت آن رامی توان تا حدی تأثیر اروپا و تا حدی فقدان ابتکار و نبوغ در میان ایرانیان آن دوره به شمار آورد.

هجوم فرهنگ بیگانگان، تاخت و تاز یغماگران، فقر و سوء حکومت و نیز مرگ شاگردان باوفای رضاعباسی از یک سو، و از سوی دیگر، تشویق و ترویج نقاشی اروپایی به وسیله شاه عباس دوم، موجبات فنا و اضمحلال سبک مینیاتور پرشکوه دوره صفویه را فراهم آورد. مهم ترین عامل این سقوط، نفوذ هنر اروپا بود؛ آن هم زمانی که به قول پروفیسور پوپ، هنرمند اروپا در پست ترین درجه انحطاط خود به سر می برد. بیگانگان تنها به این کار بسنده نکردند. آن ها همه آثار هنری ایران را از قدیم ترین دوران تا دوران نفوذشان به یغما بردند و در موزه های خود جای

دادند.

هنرمندان ایران را از دیدن آثار استادان بزرگ خود محروم کردند و آنان را از نظر روحی و معنوی، با فقدان هنر اصیل ایرانی روبه رو ساختند. بدینسان، نقاشی دوران صفوی بعد از یک عمر طولانی (حدود دو قرن) رو به فنا و نابودی گذاشت.

از کتاب هایی که در طول تاریخ اسلام از زندگی پیامبر اسلام (ع) و امامان (ع) به صورت مصور تهیه شده اند، می توان این کتاب ها را نام برد: "جامع التواریخ" (رشیدالدین فضل الله)، "خاوران نامه" (ابن حسام)، "خمسه نظامی" (نظامی گنجوی)، "معراج نامه" که توسط مولانا عبدالله، بازنویسی و توسط احمد موسی مصور شده است. در کتاب های بالا از وقایع عاشورا و حوادث زندگی امام حسین (ع) اثری مشاهده نمی شود.

اواخر حکومت قاجاریه که کتاب های چاپ سنگی در ایران رواج پیدا کردند، در کتاب هایی مانند قمری، طوفان البکاء، جوهری و حمله حیدری، نمونه هایی از این دست را می توان مشاهده کرد که به طور مستقل، از زندگی امام حسین (ع) و مخصوصاً نهضت عاشورا، تصویرهایی به صورت طراحی دیده می شود.

در عصر حاضر نیز، نمونه هایی از وقایع عاشورا در آثار بعضی از هنرمندان، نظیر استاد محمود فرشچیان یا استاد محمد باقر آقامیری و مرحوم استاد محمد یولادی مشاهده

می شود. در آثار مرحوم پولادی تبلوری نو از مکاتب شمایل نگاری در قالبی تازه دیده می شود.*

ب) پرده های تعزیه خوانی

حماسه کربلا و شهادت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران وفادارش در محرم سال ۶۱ هجری چنان با عظمت و مقدس بود که فضای تاریخ تشیع را تسخیر کرد و سرآغازی بود از حماسه ها، فداکاری ها، اینارها و خون ها، برای برافراشتن پرچم حق و عدالت و محو باطل و ستم و...

تجلی حماسه حسینی در میان هر گروه به شکل و صورتی است، چنان که در روزگار صفویه، تجسم بخشیدن آن واقعه جانگداز، تصویرگری و بر پرده کشیدن صحنه مبارزه حق و باطل، متداول شد و آثار هنری ارزنده ای به وجود آمد. این گونه پرده ها در تکیه ها و مجالس های روضه خوانی نصب می شدند و همراه با ایراد مرثیه و نوحه خوانی، عواطف را تحریک و اشک شوق را روان می ساخت و یاد سرور شهیدان و یارانش را در دل های شیعیان جاویدان می گرداند. بدین ترتیب مجالس سوگواری، مدرسه ای سمعی بصری شد که در آن، آموزگار بزرگ شهادت، یعنی امام حسین (ع) درس جانبازی و استقامت و سازش ناپذیری با ستمکاران را همواره تلقین و تکرار می کند و شاگردانش را در طول زمان مبارزه و حماسه آفرینی روحیه می بخشد و شهادت را برایشان شیرین می گرداند.

در زمینه شمایل نگاری و صورتگری مذهبی، ایران از دیرباز وسوسه پذیر بوده است. نگاهی کوتاه

به نقش های سفال های میلک و مفرغ های لرستان و حتی پرده های اساطیری مربوط به دل سوختگان بر قتل سیاوش، به وضوح نشان می دهد که چگونه ایرانیان در قالب های گوناگون قصه های پرمضمون مندرج بر چهره سفال ها و سینه پرده ها، از فرآیندی و چالش به نیکی یابدی سخن ها گفته اند.

می توان گفت، کتاب مصور آرژنگ "ماتی نیز همواره از دلنگی آدم های نخستین حکایت های دلنشین دارد و نیز چهره های دلپذیر را به نمایش درآورده است. در ایران اسلامی اگر بگوییم که بدعت گذاری در چهره پردازی و شمایل نگاری از زمان صفویه رواج یافته است، حتماً دچار اشتباه شده ایم. اما بی تردید می توان گفت، صفویان عنایتی خاص به سوگنامه ها و تراژدی های پرمایه داشته و به تشویق شمایل نگاران و نقاشان تابلوهای مذهبی پرداخته اند.

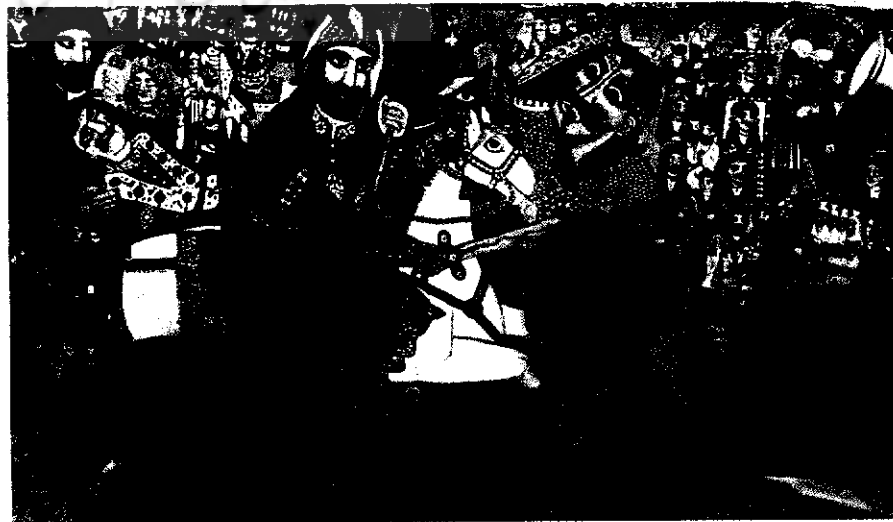
شاه اسماعیل صفوی پس از آسودن از عثمانیان، تصمیم گرفت از بکان را گوشمالی دهد.

او شور و شوق عجیبی از مین پرستی و جنگ در سر مردم انداخت و در حالی که از تبریز با گروهی از سربازان به راه افتاده بود، چاووشان و سرداران پرهیت را در طول راه به نمایشی غریب واداشت. این گروه ها که بسیار بودند، با شیپور و طبل و آوازهای سوزناک و خواندن مرثیه ها، بی گناهی امام حسین (ع) و سایر قربانیان کربلا را مطرح می کردند و مردم را به خودفرامی خواندند تا ظالمان از بیک را که چونان معاویه، یزید، شمر و سنان بدکردار و شقی می پنداشتند، گوشمالی دهند. در این شور آفرینی غریب، از پرده های نقاشی و شمایل های مصیبت نیز استفاده شد.

پرده خوان ها، پرده های گسترده و بزرگی که صحنه های فاجعه کربلا را به خونین ترین شکل مجسم می کرد، در میدان آبادی ها به نمایش می گذاشتند و مرثیه سرایان و چاووشان با سوز و الم به توصیف آن می پرداختند.

آن گاه از همه مردم می خواستند تا با سپاه صوفی بزرگ همراه شوند و کسانی را که همانند قاتلان شهدای کربلا بودند، کیفر و قصاص دهند.

پرده خوانی از دیرباز وسیله ای برای بیان سوگ در قالب تصویر بوده که بانگستان هنر آفرین و معجزه گر شمایل نگاران همراه با هزاران نقش



پر جلا با مضمون های پر معنی به مردم عرضه می شده است.

پ) نقاشی قهوه خانه

نقاشی قهوه خانه پدیده ای نوظهور در تاریخ نقاشی این دیار بود که همراه با حفظ تمامی ارزش های منطقی هنر مذهبی و سنتی ایران، به ضرورت نیاز و خواست مردم و به پاس احترام به باورهای مردم متولد شد؛ مردمی که شمایل مقدس امامان بزرگوارشان، تصویرهای حماسه های جانبازی و ایثار پیشوایان دینی شان را، نه به دلیل آذین نقش و نگاری، که به دلیل حرمت ایمانشان و بر آوردن نذر و نیازشان می خواستند. مردمی که در راستای گذر زمان، یلان و آزادگان شاهنامه حکیم توس را از خیال به نقش می طلبیدند، تا مگر در همدلی و مونس با استان و پهلوانان شاهنامه، غرور ملی از کف رفته خویش را باز یابند و رستمی را طلب می کردند تا مگر بیاید و داد از بیدادگران زمانه شان بگیرد.

در چنین روزگاری بود که هنرمندان بی ادعا، مقابل دیوار قهوه خانه ها و در ایوان حسینی ها و تکیه ها و برسکوی گودزورخانه ها نشستند، گوش به سخن نقالان دادند، چشم در چشم مداحان دوختند، رنگ ها را ساییدند، کاسه های سفالی و شکسته شان را پر از رنگ کردند و هر چه را که شنیدند و در دل داشتند، بر تن دیوار و بوم نقش زدند؛ نقشی تنها به مدد خیالیشان و خیالی به گسترده و وسعت تمامی قصه ماندن و بودن خاکشان و استقامتی به بلندای آرمان های تبار و اجدادشان. خیالی که چون در چهار دیواری بسته و بی نور قهوه خانه ها به نقش می نشست، بی شمار دریاچه های پر نور سرزمین های پر آفتاب رزمگاه های نبرد را بر همگان می گشود. خیالی که هنرمندان عاشق را به دشت داغ کربلا می برد؛ در نیم روز نبردی جاودانه و ابدی در چشم تاریخ. خیالی که خون سرخ سیاوش را چون بر زمین تفته و خشک بدگمانی ها و تهمت ها می ریزد، دشتی از سبزه و گل و گیاه می آفریند. این همه حقیقت ذهنگرا و خیالپرداز نقاش ایرانی و جستجوی معنوی او در بی دنیایی سوی دنیای مادی را باید مدیون تفکر و الهامی دانست که در دوران ظهور و

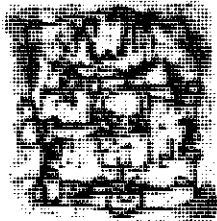
شکوفایی اسلام، سبب ساز نوعی وحدت و خلوت و عبادت هنرمندان این سرزمین می شود، تا جایی که انگار پس از این زمان، هنرمندان نقاش، بیش از آنچه در اندیشه آفرینشی و کار خلاقیت هنری باشد، دل به ریاضت و اتصال در برابر خالق این جهان می سپارد.

با تولد جنبش مشروطیت، همگام با بیداری افکار عامه و رشد و تعالی اندیشه های آزادیخواهانه، هنر مردمی به یکباره جانی تازه می گیرد. میانی اضیل و کار ساز فرهنگ مذهبی و سنتی این دیار با حمایت مردم بیدار دل، آبرو و اعتبار تازه ای می یابد. مردم به دنبال قهرمانان و آزادگان گمگشته خویش می گردند و می خواهند، خیال ها و آرزوهای تحقیر شده و از یاد رفته شان را بیان کنند. همین است که ترانه های سراسر لطف و زیبایی عامیانه، بر سر هر کوی و برزنی بر لب ها جاری می شوند و قصه ها و افسانه های کهن، رواجی دوباره می یابند.

ادبیات و هنر تشریفاتی و غریبه به چشم ودلشان، در غوغای این همه شور و التهاب جاخالی می کند. مداحان و نقالان، در حسینه ها و تکیه ها و قهوه خانه های روبه رشد پایتخت و شهرهای کوچک و بزرگ، سهمی والا در حفظ این همه شور و شیدایی و بیداری دارند. هم آنان هستند که همراه مردم، نقاشان و هنرمندان غریب و تنها و محروم خود را صدامی کنند تا بیابند و نقش آزادگان و راستان را بر پهنه بوم و دیوارهای سیاه و دود گرفته قهوه خانه ها، بر سقف مه آلوده گرمابه ها، در فضای پر تقدس حسینه ها و تکیه ها و بر پرده های پاک پرده داران، آشکار و جاودانه سازند. قلمرو نقاشان قهوه خانه، قلمرو وسیع و پر دامنه ای است. دنیای این نقاشان از ترسیم تک چهره ها گسترده ترند. نقاش به خلق مجالس بزمی و رزمی و حماسی می پردازد، شکارگاه ها و شکارهای تیزپا را مجسم می نماید و آخرسر، بنا به سنت های مذهبی، خود را نیازمند آمرزش می یابد. چنین است که به ترسیم مجالس تعزیه و شمایل ها رومی آورد و به سوگنامه های مذهبی، جان می بخشد.

ت) نقاشی های دیواری

بر جدارهای خارجی و داخلی دیوارهای



ابوالفضل، حضرت علی (ع) باقتبر، حضرت رضا (ع) و انگور زهر آلود، زهر دادن موسی بن جعفر (ع) در زندان، ضربت خوردن علی بن ابیطالب (ع) و زنده شدن شیران پرده و بردست راست در حرم، علمی نقاشی شده است.

بهترین نمونه های این نقاشی ها را در بقعه ها و مکان های مذهبی واقع در شمال ایران می توان دید.

بقعه باباولی واقع در دهکده باباولی دیلمان؛ بردیوارهای اتاق این بقعه نقاشی هایی دیده می شود. این مجالس را بر این دیوارها می توان دید: جنگ حضرت قاسم با زرق شامی، آمدن حضرت سیدالشهدا بر نعش حضرت علی اکبر (ع) و...

لازم به یادآوری است که سنت نقاشان دیواری در شمال ایران و شمالی سازی آنان را به فرصتی دیگر و مقاله ای دیگر وامی گذاریم؛ زیرا در بیش از بیست بقعه از اماکن مذهبی این دیار، شاهد هنر آفرینی نقاشان دیواری هستیم.

شایان ذکر است، آثاری از نقاشی های دیواری را در امام زاده زید اصفهان و نواحی مرکزی ایران در اطراف کاشان نیز می توان مشاهده کرد.

ث) نقاشی های چاپ سنگی

چاپ سنگی در ایران، نخست در تبریز دایر شد. عباس میرزانايب السلطنه از جمله کسانی که برای کسب هنرهای جدید به روسیه فرستاده بود، محمد صالح فرزند حاج محمدباقرخان شیرازی، معروف به میرزا صالح تبریزی بود.

وی دستگاه چاپ سنگی را با خود به تبریز برد و آقاعلی فرزند حاج محمدحسین امین الشریع تبریزی را به ریاست آن گماشت. نخستین کتابی که باین دستگاه فراهم آمد، قرآنی بود که در سال ۱۲۵۰ قمری به چاپ رسید. پس از آن "زاد المعاد" مجلسی بود که در همان سال به زیور چاپ آراسته شد.

چاپ سنگی در تهران به سال ۱۲۶۰ هـ ق معمول گشت و نخست، کتاب "حدایق الشیعه" تألیف ملا احمد اردبیلی به چاپ رسید. از سال ۱۲۷۰ قمری تا حدود سال ۱۲۹۶، به مدت بیش از بیست و پنج سال، ظاهراً چاپ سربی متروک ماند و

بقعه ها و آستانه ها، از قدیم نقاشی می کرده اند. بر جدار خارجی در سه بقعه قدیمی، نقاشی هایی به سبک مغولی دیده شده است. مکنزی، پس از ورود به شهر لاهیجان می نویسد: در اول شهر تکیه ای بود که بردیوار آن نقاشی هایی از صحرای کربلا دیده می شد. این نقاشی ها کار شوشتری نقاش بود. ایلچی فرنگی با لباس برازنده ای نقاشی شده بود. متأسفانه به علت رطوبت زیاد و فروریختن سفیدکاری دیوارها، این نقاشی ها به مرور زمان از بین رفته اند.

آنچه برجای مانده، نقاشی های مذهبی، یعنی مجالسی از صحرای کربلا و ضامن آهو و دو طفلان مسلم و قیام مختار و اسرای کربلا و قیامت و نظایر آن هاست.

بر دیوار حرم امامزاده محمد و امامزاده هادی، پسران امام زین العابدین (ع) (معروف به بقعه شاه شهیدان) که در نزدیکی دهکده شاه شهیدان دیلمان قرار دارد، نقاشی مذهبی وجود دارد.

این صحنه ها با نقاشی های نه چندان ممتاز نگارگری شده است. صحرای کربلا و کشته شدن امام حسین (ع)، ذوالجناح، حضرت علی اکبر، حضرت زینب، معراج پیغمبر (ع) و براق و ملائکه و شیر، جنگ ازرق شامی، زعفرجنی که به یاری حضرت حسین (ع) به صحرای کربلا آمده است و نیز شمر با هفت پستان دیده می شود و بر سقف گنبدی شکل بقعه نیز نقاشی های قدیمی با رنگ های اصیل ترسیم شده است.

نقاشی های مذهبی به شرح زیر در دیوارهای کفشکن به چشم می خورد: شمایل حضرت





در این مدت هر چه در ایران به طبع می‌رسید به صورت چاپ سنگی بود. چاپ سنگی طرفدار بیشتری داشت، زیرا نه تنها نقاش می‌توانست با مرکب چاپ، تصویر زیبایی بسازد، بلکه طرح را عیناً روی سنگ و سپس آن را روی کاغذ منعکس می‌کرد. خوشنویس نیز قادر بود، به راحتی عمل خطاطی را انجام دهد، چنان که در این مدت کتاب‌ها و برخی روزنامه‌ها که به خط میرزا رضا کلهر، خوشنویس معروف و هنرمند آن دوره خطاطی شده‌است، منتهای امتیاز را دارد. نمونه‌هایی از نقاشی‌های عاشورایی با مضمون‌های متفاوت را در همین مقاله ببینید:

ج) نقاشی‌های پشت شیشه

در کنار پرده‌های رنگ و روغنی و شمایل‌های آبرنگ، باید به نقاشی‌های پشت شیشه که بخش مهمی را تشکیل می‌دهند، اشاره کرد. این هنر دقیق که سابقه‌ای سیصدساله دارد، به تساوی در موضوعات مذهبی و غیرمذهبی به کار گرفته شده‌است. عالی‌ترین نمونه‌های آن از اوایل قرن سیزدهم به صورت تصویرهایی از فتح‌علیشاه قاجار و فرزندان و درباریان‌ش به جا مانده‌است که از آن میان باید شبیه محمدعلی میرزادولت‌شاه را ذکر کرد که قطعاً از ممتازترین این نوع آثار است. از نقاشی‌های پشت شیشه‌ای، تصویری از حضرت عباس را می‌توان نام برد که مثالی کافی در این مورد است؛ حضرت به رشادت تمام براسی سپید نشسته است و بیرقی به دست چپ دارد و بانویی از اهل بیت، مشک آبی را بدو می‌سپارد. نور از گرداگرد سر او زبانه می‌کشد و به زیرپایش نهر و نخلستان را می‌بینیم. در اساس، ترکیب‌بندی و انتخاب موضوع این نقاشی تفاوت چندانی با یک نقاشی عادی آبرنگ و یا رنگ‌روغنی ندارد، جز آن که به خاطر صعوبت‌روش، قدری ساده‌تر کار شده‌است و قلم‌گیری در آن دیده می‌شود.

چ) نقاشی‌های پشت آینه

آغاز عمر نقاشی، به عنوان یکی از هنرهای تزئینی، با آغاز زندگی بشر هم‌زمان بوده‌است.

حرمت نقاشی در دین اسلام طبعاً سبب شده که هنرمندان به جای تصویر رویدادهای زندگی، به تزئین اشیای کوچک و شخصی روی آورند. از جمله این اشیاء در قرن‌های اخیر قلمدان و جلد کتاب و جعبه و پشت آینه است. شیوه نقاشی پر دازی این اشیاء در ایران رنگ‌روغنی می‌نامند، زیرا در پوشش آبرنگ مانند نهایی، آن‌ها روغنی را که در واقع نوعی از لاک است، به کار می‌برند.

در مسجد هیأت علی اکبری‌های زاید مشهد، یک نوع کار روی آینه مشاهده شد. در این نمونه کار، مرحوم رضوان که از هنرمندان آستان قدس است، اشعار محتشم کاشانی را در کتیبه‌هایی بر روی آینه پیاده کرده‌است و دورتادور بالای دیوار مسجد، اشعار محتشم با رنگ‌های بسیار زیبا روی آینه نقاشی شده‌است. در کنار خطوط تزئینات دیگر به صورت اسلیمی و ختایی نیز مشاهده می‌شود.

منابع:

۱. افشار، ایرج، فرهنگ ایران زمین، انتشارات فراز، ۱۳۶۵.
۲. سیف، هادی، نقاشی قهوه‌خانه، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۹.
۳. همایونی، صادق، حسینیه مشیر، انتشارات سروش، ۱۳۵۵.
۴. ذکاء، پحی، تاریخچه تحولات درفش و علامت دولت ایران، مجله هنر و مردم، ش. ۳۳ و ۳۴، ۱۳۳۳.

* یکی از آثار مرحوم استاد پولادی که در موزه هنرهای معاصر نگهداری می‌شود در صفحه دو جلد مجله چاپ شده‌است.

